مجله‌ی پيشرفت‌هاي حسابداري دانشگاه شيراز

دوره‌ی دهم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان 1397، پياپي 3/74، صفحه‌هاي 123-144

(مجله‌ی علوم اجتماعي و انساني پیشین)

**بررسی تأثیر معیارهای ذهنی اندازه‌گیری بر پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی از اجزای پایدار و ناپایدار سود**

|  |
| --- |
| **ندا قیومی [[1]](#footnote-1)\*** **دکتر افسانه سروش‌یار**[[2]](#footnote-2)\*\* **دکتر سعید علی‌احمدی[[3]](#footnote-3)\*\*\***دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان) |

**چکیده**

نحوة صحیح طبقه‌بندی اقلام و نیز شکل ارائة صورت‌های مالی یکی از راهکارهای بهبود فهم‌پذیری این صورت‌ها است. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر طبقه‌بندی هم‌زمان اقلام سود بر اساس دو معیار ذهنی‌گرایی و پایداری بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از اقلام سود است؛ همچنین این پژوهش به بررسی تأثیر شکل ارائة صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی سود تحلیل‌گران می­پردازد. به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از پرسشنامة مبتنی بر سناریو استفاده شده است. این پرسشنامه برگرفته از پژوهش هویت و همکاران (2015) است. قلمرو زمانی پژوهش سال 1396، جامعة آماری شامل تمامی تحلیل‌گران مالی فعال در بورس اوراق بهادار تهران و نمونة آماری شامل 136 تحلیل‌گر مالی است. نتایج نشان می‌دهد که ذهنی‌گرایی اقلام سود بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از این اقلام دارای تأثیر معنی‌دار است؛ به عبارت دیگر برای اقلام سود با پایداری زیاد و کم در مواقعی که ذهنی‌گرایی بالا است، مقدار کمتری پیش‌بینی می‌شود. این نتیجه در هر دو شکل ماتریسی و متوالی صورت سود یا زیان صادق است؛ همچنین نتایج نشان می‌دهد که شکل ارائة صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از اقلام سود تاثیرگذار نیست.

**کلیدواژه‌ها:** طبقه‌بندی ذهنی‌گرایی، طبقه‌بندی پایداری، پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی، صورت سود یا زیان.

**1. مقدمه**

یکی از اهداف صورت‌های مالی کمک به پیش‌بینی استفاده‌کنندگان است. سود یکی از اقلامی است که همواره استفاده‌کنندگان به پیش‌بینی آن توجه می‌کنند. یکی از ویژگی‌های سود که به پیش‌بینی آن کمک می‌کند پایداری است. پایداری بیشتر، پیش‌بینی دقیق‌تر سود و اجزای آن را تسهیل می‌کند. افزون بر این قضاوت و دخالت مدیران باعث کاهش عینیت رقم سود و افزایش ذهنی‌گرایی آن می‌شود. به نظر می‌رسد که طبقه‌بندی اجزای سود در صورت سود یا زیان بر اساس دو معیار پایداری و ذهنی‌گرایی به‌صورت هم‌زمان، منجر می‌شود به اینکه محتوای پیش‌بینی‌های سود که تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران انجام می‌دهند، بهبود یابد؛ زیرا اطلاعات و جزئیات بیشتری را به آنان منتقل می‌سازد. بااین‌حال پژوهش‌های پیشین به‌طور کلی فقط مفاهیم یکی از این طبقه‌بندی‌ها، مثلاً یا پایداری یا ذهنی‌گرایی، را در نظر گرفته‌اند. به‌طور خاص زمانی که معیارهای ذهنی اندازه‌گیری نسبتاً بالا باشد، اگر مدیران یک‌قلم سود را که دارای پایداری بیشتری باشد معرفی کنند، بعدازآن بیشتر احتمال دارد که تحلیل‌گران ادراک کنند که این قلم دارای پایداری کمتری است. به‌طور مشابه زمانی که معیارهای ذهنی اندازه‌گیری نسبتاً پایین باشد، اگر مدیران یک‌قلم سود را به‌عنوان موردی که دارای پایداری سود کمتری است معرفی کنند، بعدازآن بیشتر احتمال دارد که تحلیل‌گران ادراک کنند که این قلم دارای پایداری بیشتری است (هویت و همکاران1، 2015).

شکل ارائة صورت سود یا زیان نیز خالی از اهمیت نیست. شکل ارائة صورت سود یا زیان احتمالاً بر درک و برداشت استفاده‌کنندگان تأثیر خواهد داشت. به نظر می‌رسد شکل ماتریسی در مقایسه با شکل متوالی که به‌طور سنتی موردحمایت استانداردگذاران بوده است، استخراج اطلاعات را از صورت سود یا زیان تسهیل می‌کند (اسچاد و کلینمانتز2، 1994).

چنین به نظر می‌رسد که شکل فعلی صورت سود یا زیان و نیز کلی‌گرایی شیوة طبقه‌بندی اقلام در صورت سود یا زیان، امکان درک ویژگی‌های پایداری اقلام سود را برای استفاده‌کنندگان فراهم نمی‌آورد و مانع از پیش‌بینی صحیح و تحلیل دقیق استفاده‌کنندگان می شود. بر این اساس این پژوهش بر آن است تا به بررسی تأثیر طبقه‌بندی مفصل‌تر اجزای سود برحسب پایداری و ذهنی‌گرایی بر پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی بپردازد؛ همچنین تأثیر شکل ارائة صورت سود یا زیان را بر پیش‌بینی تحلیل‌گران مطالعه کند.

در ادامة مقاله، مبانی نظری و پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه ارائه می‌شود. سپس به بیان فرضیه‌های پژوهش و روش آزمون آن‌ها پرداخته می‌شود. درنهایت یافته‌های پژوهش، بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی بر اساس نتایج به‌دست‌آمده ارائه می‌گردد.

**2. مبانی نظری و پیشینة پژوهش**

صورت‌های مالی بخش اصلی فرآیند گزارشگری مالی را تشکیل می‌دهد و مهم‌ترین منبع در اختیار استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی است؛ ازاین‌رو اینکه صورت‌های مالی برای استفاده‌کنندگان فهم‌پذیر باشد به‌عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات از اهمیت خاصی برخوردار است. نحوة صحیح طبقه‌بندی اقلام یکی از راهکارهای بهبود فهم‌پذیری صورت‌های مالی است. در این راستا برخی محققان و استانداردگذاران بر این عقیده‌اند که طبقه‌بندی اقلام سود بر اساس ویژگی‌های اساسی آن، برای پیش‌بینی و ارزش‌گذاری مفید است (پنمن3،2013). به‌عنوان‌مثال، پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که طبقه‌بندی اجزای سود بر اساس پایداری آن‌ها (مثلاً طبقه‌بندی اقلام سود بر اساس این موضوع که کدام‌یک از آن‌ها نشان‌دهندة مقادیر آیندة خود است) منجر به بهبود محتوای پیش‌بینی‌های مربوط به سود می‌شود (فیرفیلد و همکاران4، 1996) و تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران از آن استفاده می‌کنند (برادشو و اسلوان5، 2002). در ادامة پژوهش‌هایی که اسلوان6 (1996) انجام داد، نتایج یک جریان پژوهشی جدید نشان می‌دهد که اطلاعات مربوط به معیارهای ذهنی7 اندازه‌گیری (بدین معنا که تا چه حد مدیران از قضاوت خود برای اندازه‌گیری هر قلم استفاده می‌کنند) برای پیش‌بینی مفید است و این را حداقل تا حدود زیادی سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران برای پیش‌بینی و ارزیابی در نظر می‌گیرند (اسلوان، 1996؛ زی8، 2001؛ الگرز و همکاران9، 2003؛ سانگ و همکاران10، 2010؛ کلور و همکاران11، 2014). علی‌رغم اینکه طبقه‌بندی‌های پایداری و ذهنی‌گرایی اغلب در یک گزارش مالی ظاهر می‌شود، در پژوهش‌های پیشین عمدتاً این دو مجزا بررسی شده‌اند و این سازگار با این برداشت است که پایداری و ذهنی‌گرایی رابطه‌ای معکوس با یکدیگر دارند؛ همچنین بسیاری از محققان فرض می‌کنند که استفادة مشارکت‌کنندگان بازار از طبقه‌بندی پایداری اقلام سود متفاوت از طبقه‌بندی ذهنی‌گرایی نیست.

اندازه‌گیری ذهنی اغلب به هر دو خطای عمدی (فیلدز و همکاران12، 2001) و خطای سهوی (پیترسون13، 2012) در گزارشگری منجر می‌شود؛ بنابراین انتظار بر این است که تحلیل‌گران درک کنند که طبقه‌بندی جزء پایدار سود، با احتمال بیشتری با اشتباه همراه است؛ به‌خصوص زمانی که معیارهای ذهنی بالا باشد. همچنین نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تحلیل‌گران کمتر بر اطلاعاتی که احتمال بروز گزارش‌دهی نادرست در آن‌ها وجود دارد، تکیه می‌کنند (الیوت و هانا14، 1996). با ترکیب این دودسته از پیشینة بحث، پیش‌بینی می‌شود در مواقعی که اندازه‌گیری‌های ذهنی در سطوح بالاتری قرار دارد، تحلیل‌گران کمتر بر طبقه‌بندی پایداری هر یک از اجزای سود تکیه می‌کنند. با ترکیب این دو جریان از پیشینة بحث، چنین پیش‌بینی می‌شود که تحلیل‌گران در شرایطی که ذهنی‌گرایی در سطح بالایی قرار دارد در مقایسه بازمانی که ذهنی‌گرایی پایین است، به طبقه‌بندی پایداری اقلام سود کمتر اتکا می‌کنند. بر این اساس در این مطالعه چگونگی تأثیرگذاری طبقه‌بندی پایداری و ذهنی‌گرایی بر پیش‌بینی تحلیل‌گران بررسی می‌شود.

در پژوهش‌های پیشین عمدتاً از شکل متوالی15 که در آن طبقه‌بندی پایداری و ذهنی‌گرایی به‌صورت جداگانه نمایش داده می‌شود، به‌عنوان پایه‌ای برای بررسی این موضوع که چگونه افراد به پردازش اطلاعات می‌پردازند، استفاده شده است (به‌عنوان‌مثال پژوهش اسچاد و کلینمانتز، 1994). علی‌رغم اینکه شکل متوالی موردتوجه استانداردگذاران بوده است، لیکن تئوری‌های مبتنی بر روانشناسی نشان می‌دهند که شکل ماتریسی16 که در آن ردیف‌ها نشان‌دهندة طبقه‌بندی پایداری و ستون‌ها نشان‌دهندة طبقه‌بندی ذهنی است، بهتر از شکل متوالی می‌تواند اطلاعات را به استفاده‌کننده منتقل سازد (اسچاد و کلینمانتز، 1994)؛ زیرا اگر طبقه‌بندی پایداری و ذهنی‌گرایی به‌طور هم‌زمان در قالب شکل متوالی ارائه شود، تحلیل‌گران برای پردازش این طبقه‌بندی‌ها باید به ارزش‌های دو ستون توجه کنند. این در حالی است که در شکل ماتریسی برای پردازش هر دو طبقه‌بندی کافی است که تحلیل‌گران بر اعداد یک ستون متمرکز شوند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که شکل ماتریسی، تحلیل صورت‌های مالی را تسهیل می‌کند؛ ازاین‌رو پژوهش حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه شکل ارائة طبقه‌بندی پایداری و ذهنی‌گرایی بر پیش‌بینی تحلیل‌گران تأثیر می‌گذارد. با توجه به مبانی نظری مطرح‌شده، این پژوهش با تکیه‌بر دو جریان از پیشینة بحث پیرامون ذهنی‌گرایی و پایداری، اولاً تأثیر طبقه‌بندی پایداری و ذهنی‌گرایی بر پیش‌بینی تحلیل‌گران را بررسی می‌کند و ثانیاً به مطالعة تأثیر شکل ارائة صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از سود می‌پردازد. در ادامه به برخی مطالعات انجام‌شده در این حوزه اشاره می‌شود.

فان و همکاران17 (2010) در پژوهشی با عنوان «مدیریت سود با استفاده از جابه‌جایی طبقه‌بندی: شواهدی از اقلام خاص فصلی» بدین نتیجه دست یافتند که جابه‌جایی طبقه‌بندی در سه‌ماهة آخر سال، بیشتر از سایر زمان‌ها رخ می‌دهد. همچنین آنان دریافتند در مواقعی که به دلیل قرار گرفتن در دامنة الگوی برتر، دست مدیر برای دست‌کاری اقلام تعهدی بسته شده است، احتمال جابه‌جایی طبقه‌بندی بیشتر است.

پان18 (2014) در مطالعه‌ای با عنوان «تغییر طبقه‌بندی سود و پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی» به بررسی این موضوع پرداخت که آیا جابه‌جایی طبقه‌بندی اجزای سود بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از سودهای فصلی تأثیرگذار است. یافته‌های پژوهش نشان داد که تحت میزان مشخصی اخبار سود، تحلیل‌گران پیش‌بینی خود را از سودهای فصلی شرکت‌هایی که جابه‌جایی در طبقه‌بندی اجزای سود داشته‌اند، در مقایسه با شرکت‌هایی که جابه‌جایی در طبقه‌بندی نداشته‌اند، تعدیل کرده‌اند. این نشان می‌دهد که اقلام جابه‌جاشده در طبقه‌بندی‌ها، پایداری کمتری دارند؛ بنابراین جابه‌جایی‌های رخ‌داده در طبقه‌بندی اجزای سود، پیش‌بینی سود را برای تحلیل‌گران دشوارتر می‌سازد؛ به‌طوری که پیش‌بینی‌های آن‌ها از دقت کمتری برخوردار است.

چای و ناکانو19 (2015) در مطالعه‌ای با عنوان «اثر تغییر طبقه‌بندی بر دقت پیش‌بینی تحلیل‌گران: شواهدی از ژاپن» دریافتند که سود عملیاتی در شرکت‌های ژاپنی بیش از واقع نشان داده می‌شود. نتیجة دیگر پژوهش بیانگر این است که در شرکت‌هایی که برای دست‌کاری سود رو به افزایش، به تغییر طبقه‌بندی می‌پردازند، دقت پیش‌بینی تحلیل‌گران از سود عملیاتی شرکت کمتر است.

هویت و همکاران (2015) در مطالعه‌ای با عنوان «اثر اندازه‌گیری طبقه‌بندی ذهنی‌گرایی بر استفادة تحلیل‌گران از طبقه‌بندی پایداری در هنگام پیش‌بینی اجزاء سود» با استفاده از تجزیه‌وتحلیل مبتنی بر سناریو به بررسی این موضوع پرداخت که چگونه تحلیل‌گران ادراک خود از تفاوت در پایداری و تفاوت در معیارهای ذهنی اندازه‌گیری را در پیش‌بینی‌های خود لحاظ می‌کنند. نتایج پژوهش نشان داد هنگامی‌که معیارهای ذهنی اندازه‌گیری در سطح بالایی است، تحلیل‌گران تکیة کمتری بر طبقه‌بندی پایداری اجزای سود دارند؛ همچنین آنان دریافتند که تحلیل‌گران مقدار کمتری (بیشتری) برای یک‌قلم سود با پایداری زیاد (کم) گزارش می‌دهند، به‌خصوص زمانی که آنان این‌گونه ادراک کنند که تحلیل‌گران معیارهای ذهنی اندازه‌گیری بالاتری را مدنظر داشته‌اند.

وو20 (2016) به انجام پژوهشی با عنوان «تغییر طبقه‌بندی به‌عنوان ابزار مدیریت سود در شرکت‌های اروپایی» پرداخت. نتایج پژوهش حاکی از این است که شرکت‌های اروپایی از تغییر طبقه‌بندی، شامل وارد کردن و خارج کردن اقلام غیرمستمر برای دست‌کاری سود اصلی شرکت استفاده می‌کنند. همین‌طور شواهد نشان داد که مدیران از تغییر طبقه‌بندی‌ها برای جلوگیری از گزارش زیان و رسیدن به سطوح سودی که تحلیل‌گران پیش‌بینی‌ کرده‌اند، استفاده می‌کنند.

ملکیان و همکاران (1389) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر دقت سود پیش‌بینی‌شده توسط شرکت‌ها شواهدی از: بازار بورس و اوراق بهادار تهران» به بررسی عواملی همچون اندازه، عمر، دورة پیش‌بینی، اهرم مالی، دفعات تجدیدنظر، گزارش حسابرس، حضور در تالار اصلی یا فرعی و نوع صنعت بر دقت سود پیش‌بینی‌شده پرداختند. نتایج پژوهش بیانگر رابطة منفی بین دورة پیش‌بینی، اهرم مالی و عمر شرکت با دقت پیش‌بینی است و وجود رابطه بین گزارش حسابرس با دقت پیش‌بینی را تأیید می‌کند. در سایر موارد رابطة معنی‌داری بین متغیرهای بررسی‌شده با دقت پیش‌بینی یافت نشد.

رضازاده و گروسی (1390) در پژوهشی با عنوان «پایداری تفاضلی اجزای تعهدی و نقدی سود و پیش‌بینی سودآوری» درصدد پاسخ به این سؤال برآمدند که آیا پایداری تفاضلی اجزای تعهدی و نقدی در پیش‌بینی سودآوری تحت تأثیر مدیریت سود قرار دارد. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که جزء تعهدی سود نسبت به جزء نقدی سود رابطه‌ای قوی‌تر با میانگین دارایی‌ها در مخرج کسر معیار سودآوری دارد. در مقابل اجزای تعهدی و نقدی سود با سود عملیاتی سال آتی رابطة یکسانی دارند. این یافته‌ها حاکی از آن است که پایداری تفاضلی اجزای تعهدی و نقدی سود ناشی از مدیریت سود نیست، بلکه به دلیل تأثیر متفاوت اجزای تعهدی و نقدی سود در رشد دارایی‌ها است.

مرادزاده و همکاران (1392) در پژوهشی با عنوان «بررسی خطای پیش‌بینی سود مدیریت و محتوای اطلاعاتی اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» به بررسی تأثیر اقلام تعهدی اختیاری بر خطای پیش‌بینی سود و نیز پیش‌بینی مدیریت به‌منظور تأمین مالی، بر این رابطه پرداختند. نتایج پژوهش از وجود رابطة منفی و معنی‌دار بین خطای پیش‌بینی سود مدیریت با کل اقلام تعهدی اختیاری حکایت می‌کرد. افزون بر این پیش‌بینی مدیریت به‌منظور تأمین مالی از طریق بدهی‌ها، رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار بین اقلام تعهدی اختیاری مثبت با خطای پیش‌بینی سود مدیریت ایجاد می‌کند؛ همچنین با دورنمای تأمین مالی از طریق بدهی‌ها، رابطه‌ای معنی‌دار بین اقلام تعهدی اختیاری منفی با خطای پیش‌بینی سود وجود ندارد.

هاشمی و ربیعی (1392) به انجام پژوهشی با عنوان «تحلیل مدیریت سود با استفاده از تغییر طبقه‌بندی هزینه‌های عملیاتی به هزینه‌های غیرعملیاتی در میان‌دوره‌های مالی» پرداختند. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها در میان‌دورة مالی چهارم در مقایسه با سایر میان‌دوره‌های مالی بیشتر است. علاوه بر این تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها در میان‌دوره‌های مالی که سود عملیاتی ناچیز است، از سایر میان‌دوره‌های مالی بیشتر نیست.

شاهوردیانی و رادفر (1392) به انجام پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر اعتماد تحلیل‌گران مالی به مدیران» پرداخت. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که عوامل صلاحیت، صداقت، شایستگی، عوامل فرهنگی بخش رفتاری و عوامل اجتماعی تأثیر زیادی در اعتماد تحلیل‌گران مالی به مدیران دارند؛ همچنین امانت‌داری، خیرخواهی و عوامل شخصی تأثیر متوسط و پایبندی به دین اسلام تأثیر کمی در اعتماد تحلیل‌گران مالی به مدیران دارد. بر اساس این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که به سازمانی با مدیریت فردی که از خصوصیات صلاحیت، صداقت، شایستگی، عوامل فرهنگی بخش رفتاری و عوامل اجتماعی برخوردار باشد، می‌ـوان اعتماد کرد؛ در نتیجه این نیز می‌تواند باعث ایجاد محیطی سالم و برآوردکنندة شرط لازم بازار کارا باشد.

افلاطونی (1395) با انجام پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی و متقارن نبودن اطلاعات بر واکنش تأخیری قیمت سهام» دریافت که با افزایش کیفیت گزارشگری مالی و کاهش در میزان نامتقارن بودن اطلاعات، واکنش تأخیری قیمت سهام کاهش می‌یابد.

شجاعی و آقابیک‌زاده نائینی (1395) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر اجزای پایدار و ناپایدار سود بر رابطة بین نوسان سود و قابلیت پیش‌بینی سود» بدین نتیجه دست یافتند که هرچه نوسان پذیری سود افزایش پیدا می‌کند، قابلیت پیش‌بینی سود و اجزای سود کاهش می‌یابد؛ همچنین نتایج نشان داد که پایداری اجزای سود تأثیر معنی‌داری بر رابطة بین نوسان سود با قابلیت پیش‌بینی سود دارد. افزون بر این مقایسة تأثیر اجزای پایدار و ناپایدار سود بر رابطة بین نوسان سود با قابلیت پیش‌بینی اجزای سود نشان از تأثیر بیشتر اجزای ناپایدار بر این رابطه دارد.

فروغی و همکاران (1396) در مطالعه‌ای با عنوان «پایداری سود و اجزای تشکیل‌دهندة آن در سطح صنعت و شرکت» به بررسی پایداری سود برحسب سود نقدی و تعهدی در سطح سود خاص شرکت و سود خاص صنعت پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که پایداری سود خاص صنعت نسبت به سود خاص شرکت بیشتر است؛ همچنین جزء نقدی سود در سود خاص صنعت پایدارتر و جزء تعهدی سود در سطح سود خاص شرکت ناپایدارتر از سایر اجزاست. نتیجة دیگر تحقیق حاکی از این است که سرمایه‌گذاران تفاوت در پایداری اجزای سود را درک نمی‌کنند.

**3. فرضیه‌های پژوهش**

فرضیة اول: تحلیل‌گران مقدار کمتری را برای یک‌قلم سود با پایداری زیاد پیش‌بینی
می‌کنند، هنگامی‌که ذهنی‌گرایی آن بالاتر باشد.

فرضیة دوم: تحلیل‌گران مقدار بیشتری را برای یک‌قلم سود با پایداری کم پیش‌بینی
می‌کنند، هنگامی‌که ذهنی‌گرایی آن بالاتر باشد.

فرضیة سوم: هنگام پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری زیاد، شکل صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران تأثیرگذار است.

فرضیة چهارم: هنگام پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری کم، شکل صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران تأثیرگذار است.

**4. روش پژوهش**

پژوهش حاضر ازنظر هدف کاربردی، ازلحاظ ماهیت به‌عنوان پژوهشی شبه‌تجربی و از نوع پیمایشی است. در این پژوهش به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از سناریوهایی در قالب پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه استاندارد و برگرفته از پژوهش هویت و همکاران (2015) است؛ لیکن به‌منظور اطمینان از روایی سناریو، قبل از توزیع نهایی پرسشنامه در بین نمونة پژوهش، سناریوی تدوین‌شده را استادان حسابداری بررسی کردند و نظرات آن‌ها اعمال شد. جامعة آماری این پژوهش تمامی تحلیل‌گران مالی فعال در بورس اوراق بهادار تهران است. کوتنر و همکاران21 (2005) برای تعیین حجم نمونة هر گروه از توان آزمون استفاده کردند. بر اساس این روش درصورتی‌که سطح خطا 5 درصد، توان آزمون 90 درصد، تعداد 4 گروه و اثر اندازه در حدود یک باشد، تعداد حجم نمونه پژوهش در هر گروه برابر 30 مشارکت‌کننده خواهد بود. ازآنجایی‌که این عدد بیانگر حداقل تعداد است، در این پژوهش تعداد 34 مشارکت‌کننده برای هر گروه در نظر گرفته شد. از بین این تحلیل‌گران، نمونة آماری به روش در دسترس انتخاب شد. بدین ترتیب که این تحلیل‌گران باید دارای سه شرط زیر باشند:

سابقة بیش از 5 سال داشته باشند؛

رشتة تحصیلی مرتبط، (حسابداری، مدیریت مالی و اقتصاد) داشته باشند؛

تمایل به مشارکت در پژوهش داشته باشند.

پرسشنامه‌ها به‌صورت حضوری در اختیار 136 تحلیل‌گر مالی قرار گرفت و تمامی پرسشنامه‌ها تکمیل شد و برگشت داده شد. ازآنجاکه از چهار نوع پرسشنامه استفاده شد، هر نوع پرسشنامه را 34 نفر تکمیل کردند.

پرسشنامه شامل صورت سود یا زیان و برخی اطلاعات یک شرکت فرضی است. در صورت سود یا زیان ارائه‌شده برای نشان دادن میزان ذهنی‌گرایی، اجزای سود در سه گروه اجزای نقدی، اجزای تعهدی و اندازه‌گیری مجدد دارایی‌ها و بدهی‌ها، شامل سود یا زیان ناشی از ارزشیابی مجدد و سایر تغییرات در ارزش دفتری تفکیک شد؛ همچنین برای نشان دادن میزان پایداری، اجزای سود در قالب سه گروه ذیل طبقه‌بندی شدند: اقلام عملیاتی، شامل بهای تمام‌شدة کالای فروش‌رفته و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش؛ سایر اقلام عملیاتی؛ اقلام غیرعادی یا غیرمستمر.

از پاسخ‌دهندگان خواسته شد با توجه به این اطلاعات به پیش‌بینی دو قلم از اجزای سود و نه کل رقم سود، بپردازند. این کار به دو دلیل انجام شد. اولاً سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران در کار آزمایشی تمایل دارند که رقم سود را نزدیک به رقم واقعی ارائه‌شده پیش‌بینی کنند (هویت22، 2009). ثانیاً ممکن است تحلیل‌گران هنگام پیش‌بینی کلی سود، اجزایی از سود پیش‌بینی‌شده را نادیده بگیرند (براون و همکاران23، 2014)؛ بنابراین در این پژوهش از پاسخ‌دهندگان خواسته شد به پیش‌بینی دو قلم از اجزای سود به‌صورت مجزا بپردازند. علاوه بر این از آنان خواسته شد که برداشت خود را در خصوص پایداری و ذهنی‌گرایی هر یک از این دو قلم سود ارائه دهند.

مشارکت‌کنندگان به چهار گروه تقسیم شده و به هر گروه یک نوع پرسشنامه داده شد؛ بنابراین از چهار نوع پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه‌ها به‌گونه‌ای تدوین شده است که در آن پاسخ‌دهندگان به پیش‌بینی مبلغ دو قلم سود با پایداری زیاد (منبع A) و کم (منبع B) پرداختند. در هر پرسشنامه میزان ذهنی‌گرایی این دو منبع متفاوت است. برای آزمون فرضیة اول و دوم، با مقایسة پیش‌بینی تحلیل‌گران در گروه‌های مختلف می‌توان پی برد که برای پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری زیاد (کم)، میزان ذهنی‌گرایی چه تأثیری بر این پیش‌بینی‌ها دارد.

از بین پرسشنامه‌های فوق دو نوع پرسشنامه دارای شکل متوالی و دو نوع دارای شکل ماتریسی است که در هرکدام، اقلام دارای پایداری زیاد و کم و ذهنی‌گرایی بالا و پایین وجود دارد. در شکل متوالی طبقه‌بندی پایداری و ذهنی‌گرایی در ستون‌های مجزا انجام می‌شود؛ اما در شکل ماتریسی طبقه‌بندی ذهنی‌گرایی در ستون و طبقه‌بندی پایداری در سطر انجام می‌شود. با استفاده از پاسخ‌های به‌دست‌آمده پس از تکمیل پرسشنامه می‌توان دریافت که آیا شکل صورت سود یا زیان، بر پیش‌بینی اجزای سود تأثیرگذار است یا خیر. متغیرهای استفاده‌شده در این پژوهش، به دو گروه متغیر مستقل و وابسته تقسیم می‌شوند. متغیر وابستة پژوهش پیش‌بینی تحلیل‌گران از اجزای سود است. دو متغیر مستقل پژوهش ذهنی‌گرایی اقلام سود و شکل ارائة اطلاعات در صورت سود یا زیان، شامل شکل متوالی و ماتریسی است.

**5. یافته‌های پژوهش**

**1-5- یافته‌های توصیفی پژوهش**

نتایج آمار توصیفی مشارکت‌کنندگان پژوهش به‌صورت خلاصه در نگاره (1) و (2) ارائه شده است. آمار توصیفی از جنبه‌های جنسیت، سن، سابقة کاری و مدرک تحصیلی پاسخ‌دهندگان بررسی شد.

|  |
| --- |
| **نگاره 1: نتایج آمار توصیفی سن و جنسیت پاسخ‌دهندگان** |
| سن پاسخ‌دهندگان | تعداد | درصد |  | جنسیت پاسخ‌دهندگان | تعداد | درصد |
| کمتر از 25 سال | 4 | 3% |  | مرد | 90 | 2/66% |
| بین 25 تا 35 سال | 73 | 7/53% |  | زن | 46 | 8/33% |
| بین 35 تا 45 سال | 51 | 5/37% |  |  |  |  |
| بالاتر از 45 سال | 8 | 8/5% |  |  |  |  |
| جمع کل | 136 | 100% |  | جمع کل | 136 | 100% |
| منبع: یافته‌های پژوهش |

نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی سن در افراد بررسی‌شده مربوط به سن 25 تا 35 سال (7/53 درصد) و کمترین فراوانی به سن کمتر از 25 سال (3 درصد) اختصاص دارد؛ همچنین نتایج نگاره نشان می‌دهد که درصد فراوانی مردان 2/66 درصد و زنان 8/33 درصد است. در ادامه نتایج آمار توصیفی سابقة کاری و مدرک تحصیلی پاسخ‌دهندگان مشاهده می‌شود.

|  |
| --- |
| **نگاره 2: نتایج آمار توصیفی سابقه کاری و مدرک تحصیلی پاسخ‌دهندگان** |
| سابقه کاری پاسخ‌دهندگان | تعداد | درصد |  | مدرک تحصیلی پاسخ‌دهندگان | تعداد | درصد |
| بین 5 تا 10 سال | 88 | 65% |  | کارشناسی | 30 | 22% |
| بین 10 تا 15 سال | 27 | 20% |  | کارشناسی ارشد | 91 | 67% |
| بالاتر از 15 سال | 21 | 15% |  | دکتری | 15 | 11% |
| جمع کل | 136 | 100% |  | جمع کل | 136 | 100% |
| منبع: یافته‌های پژوهش |

نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی افراد تحت مطالعه دارای سابقة کاری بین 5 تا 10 سال (65 درصد) و کمترین فراوانی افراد تحت مطالعه مربوط به افراد دارای سابقة کاری بالاتر از 15 سال است (15 درصد). نتایج نگاره نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی افراد بررسی‌شده مربوط به افراد با تحصیلات کارشناسی ارشد (67 درصد) است و افراد با تحصیلات دکتری (11 درصد) کمترین فراوانی افراد بررسی‌شده هستند.

**2-5- نتایج مقایسة میانگین پیش‌بینی تحلیل‌گران**

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون tو F استفاده شده است؛ لیکن قبل از انجام این آزمون‌ها آزمون نرمال بودن انجام شده و نتایج آن به شرح نگاره (3) است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری بیشتر از 05/0 است، فرض نرمال بودن تأیید می‌شود.

|  |
| --- |
| **نگاره 3: نتایج آزمون نرمال بودن** |
| شرح | آماره کولموگروف- اسمیرنوف | سطح معنی‌داری |
| میانگین پیش‌بینی اقلام سود با پایداری زیاد (منبع A) | 892/0 | 40/0 |
| میانگین پیش‌بینی اقلام سود با پایداری کم (منبع B) | 035/1 | 23/0 |

نتایج مرتبط با پیش‌بینی منبع (A) که دارای پایداری زیاد است، به تفکیک ذهنی‌گرایی و شکل در نگاره (4) ارائة شده است. مبلغ منبع سود (A) در صورت سود یا زیان ارائه شده 609 است. تحلیل‌گران با در نظر گرفتن این عدد اقدام به پیش‌بینی سود کرده‌اند. در این نگاره نتایج میانگین و انحراف معیار پیش‌بینی تحلیل‌گران به تفکیک دو شکل متوالی و ماتریسی و نیز در دو حالت ذهنی‌گرایی بالا و پایین ارائه شده است. تفاوت میانگین پیش‌بینی‌ها در دو حالت ذهنی‌گرایی بالا و پایین در شکل متوالی، ماتریسی و کل به ترتیب 76/225، 88/196 و 32/211 و آمارهt آن‌ها به ترتیب 39/4، 51/3 و 59/5 و سطح معنی‌داری همگی آن‌ها 000/0 است. چنانچه ملاحظه می‌شود مطابق با انتظار، میانگین پیش‌بینی تحلیل‌گران از این قلم سود در شرایطی که ذهنی‌گرایی بالا است، کمتر از حالتی است که ذهنی‌گرایی پایین است. نتایج مقایسة میانگین پیش‌بینی تحلیل‌گران در دو حالت ذهنی‌گرایی بالا و پایین با استفاده از آزمون t در این نگاره نشان می‌دهد که هم در شکل متوالی، هم در شکل ماتریسی و هم در سطح کل نمونه تفاوت معنی‌داری بین پیش‌بینی تحلیل‌گران از این منبع سود با پایداری زیاد وجود دارد؛ ازاین‌رو می‌توان استنباط کرد هنگامی‌که قلم سود پایداری زیادی دارد، تحلیل‌گران، ذهنی‌گرایی بالا و پایین را در پیش‌بینی قلم پایدار سود در نظر می‌گیرند.

|  |
| --- |
| **نگاره 4: میانگین پیش‌بینی اقلام سود با پایداری بالا (منبع A)** |
|  | شکل متوالی | شکل ماتریسی | کل |
|  | میانگین | انحراف معیار | تعداد | میانگین | انحراف معیار | تعداد | میانگین | انحراف معیار | تعداد |
| ذهنی‌گرایی پایین | 47/639 | 02/87 | 34 | 53/646 | 99/93 | 34 | 643 | 96/89 | 68 |
| ذهنی‌گرایی بالا | 71/413 | 51/286 | 34 | 65/449 | 18/313 | 34 | 68/431 | 44/298 | 68 |
| تفاوت میانگین ذهنی‌گرایی پایین و بالاآماره t(سطح معنی‌داری) | 76/22539/4(000/0) | 88/19651/3(001/0) | 32/21159/5(000/0) |
| منبع: یافته‌های پژوهش |

نتایج مرتبط با پیش‌بینی منبع (B) که دارای پایداری کم است، به تفکیک ذهنی‌گرایی و شکل در نگاره (5) ارائه شده است. مبلغ این منبع سود در صورت سود یا زیان ارائه‌شده 594 است. تحلیل‌گران با در نظر گرفتن این عدد اقدام به پیش‌بینی سود کرده‌اند. تفاوت میانگین پیش‌بینی‌ها در دو حالت ذهنی‌گرایی بالا و پایین در شکل متوالی، ماتریسی و کل به ترتیب 88/250، 15/333 و 01/292 و آماره t آن‌ها به ترتیب 17/5، 30/6 و 13/8 و سطح معنی‌داری همة آن‌ها 000/0 است.

|  |
| --- |
| **نگاره 5: میانگین پیش‌بینی اقلام سود با پایداری پایین (منبع B)** |
|  | شکل متوالی | شکل ماتریسی | کل |
|  | میانگین | انحراف معیار | تعداد | میانگین | انحراف معیار | تعداد | میانگین | انحراف معیار | تعداد |
| ذهنی‌گرایی پایین | 91/601 | 70/96 | 34 | 71/601 | 58/134 | 34 | 81/601 | 309/116 | 68 |
| ذهنی‌گرایی بالا | 03/351 | 43/265 | 34 | 56/268 | 17/277 | 34 | 79/309 | 52/272 | 68 |
| تفاوت میانگین ذهنی‌گرایی پایین و بالاآماره t(سطح معنی‌داری) | 88/25017/5(000/0) | 15/33330/6(000/0) | 01/29213/8(000/0) |
| منبع: یافته‌های پژوهش |

چنانچه ملاحظه می‌شود مطابق با انتظار، میانگین پیش‌بینی تحلیل‌گران از این قلم سود در شرایطی که ذهنی‌گرایی بالا است، کمتر از حالتی است که ذهنی‌گرایی پایین است. نتایج مقایسة میانگین پیش‌بینی تحلیل‌گران در دو حالت ذهنی‌گرایی بالا و پایین با استفاده از آزمون t در این نگاره نشان می‌دهد که هم در شکل متوالی، هم در شکل ماتریسی و هم در سطح کل نمونه تفاوت معنی‌داری بین پیش‌بینی تحلیل‌گران از این منبع سود با پایداری کم وجود دارد؛ ازاین‌رو می‌توان استنباط کرد هنگامی‌که قلم سود پایداری کم دارد، تحلیل‌گران ذهنی‌گرایی بالا و پایین را در پیش‌بینی قلم پایدار سود در نظر می‌گیرند.

**3-5- نتایج آزمون فرضیة اول و سوم**

فرضیة اول پژوهش به بررسی تأثیر ذهنی‌گرایی بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از یک‌قلم سود با پایداری زیاد می‌پردازد. نتایج آزمون این فرضیه در نگاره (6) ارائه شده است. آماره F متغیر ذهنی‌گرایی به میزان 820/26 است که در سطح خطای 5 درصد معنی‌دار است؛ به‌عبارت‌دیگر می‌توان بیان کرد که هنگام پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری زیاد، تحلیل‌گران مقدار کمتری را پیش‌بینی خواهند کرد اگر ذهنی‌گرایی بالا باشد؛ بنابراین فرضیة اول پژوهش تأیید می‌شود.

فرضیة سوم پژوهش به بررسی تأثیر شکل صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از یک‌قلم سود با پایداری زیاد می‌پردازد. آماره F متغیر شکل به میزان 319/0 است که در سطح خطای 5 درصد معنی‌دار نیست؛ به‌عبارت‌دیگر می‌توان بیان کرد هنگام پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری زیاد، شکل صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران تأثیرگذار نیست؛ ازاین‌رو فرضیة سوم پژوهش رد می‌شود.

|  |
| --- |
| **نگاره 6: نتایج آزمون فرضیة اول و سوم** |
| منبع | نوع 3 مجموع مربعات | درجة آزادی | میانگین مربعات | آماره F | سطح معنی‌داری |
| تقاطع (عرض از مبدأ) | 246/108 | 1 | 246/108 | 110/780 | 000/0 |
| ذهنی‌گرایی | 721/3 | 1 | 721/3 | 820/26 | 000/0 |
| شکل گزارش | 044/0 | 1 | 044/0 | 319/0 | 573/0 |
| ذهنی‌گرایی \* شکل گزارش | 020/0 | 1 | 020/0 | 146/0 | 703/0 |
| منبع: یافته‌های پژوهش |

**4-5- نتایج آزمون فرضیة دوم و چهارم**

فرضیة دوم پژوهش به بررسی تأثیر ذهنی‌گرایی بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از یک‌قلم سود با پایداری کم می‌پردازد. نتایج آزمون این فرضیه در نگاره (7) ارائه شده است. آمارهF متغیر ذهنی‌گرایی به میزان 260/29 است که در سطح خطای 5 درصد معنی‌دار است؛ لیکن برخلاف فرضیة پژوهش با توجه به میانگین پیش‌بینی‌های ارائه‌شده در نگاره (5) این نتیجه حاصل شد که هنگام پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری کم، تحلیل‌گران مقدار کمتری را پیش‌بینی خواهند کرد اگر ذهنی‌گرایی بالا باشد؛ ازاین‌رو فرضیة دوم پژوهش رد می‌شود.

فرضیة چهارم پژوهش به بررسی تأثیر شکل صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از یک‌قلم سود با پایداری کم می‌پردازد. آماره F متغیر شکل به میزان 398/1 است که در سطح خطای 5 درصد معنی‌دار نیست؛ به‌عبارت‌دیگر می‌توان بیان کرد هنگام پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری کم، شکل صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران تأثیرگذار نیست؛ ازاین‌رو فرضیة چهارم پژوهش رد می‌شود.

|  |
| --- |
| **نگاره 7: نتایج آزمون فرضیة دوم و چهارم** |
| منبع | نوع 3 مجموع مربعات | درجة آزادی | میانگین مربعات | آماره F | سطح معنی‌داری |
| تقاطع (عرض از مبدأ) | 529/87 | 1 | 529/87 | 535/246 | 000/0 |
| ذهنی‌گرایی | 785/4 | 1 | 785/4 | 260/29 | 000/0 |
| شکل گزارش | 299/0 | 1 | 299/0 | 398/1 | 239/0 |
| ذهنی‌گرایی \* شکل گزارش | 277/0 | 1 | 277/0 | 386/1 | 241/0 |
| منبع: یافته‌های پژوهش |

**5-5- نقش ویژگی‌های دموگرافیک بر یافته‌های پژوهش**

در این بخش نقش جنسیت، سن، تحصیلات و سابقة کاری تحلیل‌گران مالی بر یافته‌های به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش بررسی می‌شود.

 نقش جنسیت تحلیل‌گران بر پیش‌بینی آنان از اقلام سود با پایداری زیاد و کم در نگاره (8) ارائه شده است.

|  |
| --- |
| **نگاره 8: نتایج مربوط به نقش عامل جنسیت بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از اقلام سود** |
| قلم سود با پایداری زیاد(منبع A) |  | مجموع مربعات | درجة آزادی | مربع میانگین | آماره F | سطح معنی‌داری |
| بین گروه‌ها | 205/3852 | 1 | 215/3852 | 064/0 | 800/0 |
| درون گروه‌ها | 226/8024494 | 134 | 285/59884 |
| کل | 441/8028346 | 135 |  |
| قلم سود با پایداری کم(منبع B) | بین گروه‌ها | 749/49365 | 1 | 749/49365 | 758/0 | 386/0 |
| درون گروه‌ها | 890/8732277 | 134 | 253/65166 |
| کل | 640/8781643 | 135 |  |
| منبع: یافته‌های پژوهش |

همان‌طور که در نگاره (8) نشان داده شده است مقدار آمارهF برای مقایسة اختلاف واریانس بین گروه و درون‌گروه متغیر جنسیت برای منبع A برابر 064/0 و سطح معنی‌داری 8/0 و نشان‌دهندة نداشتن اختلاف معنی‌دار در پیش‌بینی اقلام سود با پایداری زیاد بین تحلیل‌گران زن و مرد است؛ همچنین مقدار آماره F برای مقایسة اختلاف واریانس بین گروه و درون‌گروه متغیر جنسیت برای منبع B برابر 758/0 و سطح معنی‌داری 386/0 و نشان‌دهندة نداشتن اختلاف معنی‌دار در پیش‌بینی اقلام سود با پایداری کم بین تحلیل‌گران زن و مرد است.

وضعیت سن تحلیل‌گران و نقش آن بر پیش‌بینی‌های انجام‌شده از اقلام سود در نگاره (9) نشان داده شده است.

|  |
| --- |
| **نگاره 9: نتایج مربوط به نقش عامل سن بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از اقلام سود** |
| قلم سود با پایداری زیاد(منبع A) |  | مجموع مربعات | درجة آزادی | مربع میانگین | آماره F | سطح معنی‌داری |
| بین گروه‌ها | 702/111105 | 4 | 425/27776 | 460/0 | 765/0 |
| در گروه‌ها | 739/7917240 | 131 | 952/60436 |
| کل | 441/8028346 | 135 |  |
| قلم سود با پایداری کم(منبع B) | بین گروه‌ها | 644/103722 | 4 | 662/25930 | 391/0 | 814/0 |
| در گروه‌ها | 993/8677920 | 131 | 672/66243 |
| کل | 640/8781643 | 135 |  |
| منبع: یافته‌های پژوهش |

چنانچه در نگاره (9) نشان داده شده است مقدار آمارهF برای مقایسة اختلاف واریانس بین گروه و درون‌گروه متغیر سن برای پیش‌بینی قلم سود با پایداری زیاد و کم به ترتیب برابر با 460/0 و 391/0 و سطح معنی‌داری آن‌ها 765/0 و 814/0 است و نشان‌دهندة نداشتن اختلاف معنی‌دار بین پیش‌بینی تحلیل‌گران از اقلام سود در سطوح مختلف سنی بوده است.

نگاره (10) نقش سطح تحصیلات تحلیل‌گران را بر پیش‌بینی‌های آن‌ها نمایش می‌دهد.

|  |
| --- |
| **نگاره 10: نتایج مربوط به نقش عامل تحصیلات بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از اقلام سود** |
| قلم سود با پایداری زیاد(منبع A) |  | مجموع مربعات | درجة آزادی | مربع میانگین | آماره F | سطح معنی‌داری |
| بین گروه‌ها | 147/45902 | 2 | 074/22951 | 683/0 | 683/0 |
| در گروه‌ها | 294/7982444 | 133 | 378/60018 |
| کل | 441/8028346 | 135 |  |
| قلم سود با پایداری کم(منبع B) | بین گروه‌ها | 935/237196 | 2 | 468/118598 | 846/1 | 162/0 |
| در گروه‌ها | 704/8544446 | 133 | 960/64243 |
| کل | 640/8781643 | 135 |  |
| منبع: یافته‌های پژوهش |

همان‌طور که در نگاره (10) ملاحظه می‌شود مقدار آمارهF برای مقایسة اختلاف واریانس بین گروه و درون‌گروه متغیر مدرک برای پیش‌بینی اقلام سود با پایداری زیاد برابر 683/0 و سطح معنی‌داری 683/0 است؛ همچنین مقدار آمارهF برای مقایسة اختلاف واریانس بین گروه و درون‌گروه متغیر مدرک برای منبع B برابر 846/1 و احتمال معنی‌داری 162/0 است. این یافته‌ها نشان می‌دهد اختلاف معنی‌داری بین پیش‌بینی تحلیل‌گران در سطوح مختلف تحصیلات وجود ندارد.

در نگاره (11) نقش سابقة کاری تحلیل‌گران را بر پیش‌بینی‌های آن‌ها نمایش می‌دهد.

|  |
| --- |
| **نگاره 11: نتایج مربوط به نقش عامل سابقة کار بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از اقلام سود** |
| قلم سود با پایداری زیاد(منبع A) |  | مجموع مربعات | درجة آزادی | مربع میانگین | آماره F | سطح معنی‌داری |
| بین گروه‌ها | 372/316341 | 2 | 688/158170 | 728/2 | 069/0 |
| در گروه‌ها | 069/7712005 | 133 | 001/57985 |
| کل | 441/8028346 | 135 |  |
| قلم سود با پایداری کم(منبع B) | بین گروه‌ها | 293/7463 | 2 | 646/3731 | 057/0 | 945/0 |
| در گروه‌ها | 347/8774180 | 133 | 281/65971 |
| کل | 640/8738164 | 135 |  |

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در نگاره (11) نشان داده شده است مقدار آماره F برای مقایسة اختلاف واریانس بین گروه و درون‌گروه متغیر سابقه برای اقلام سود با پایداری زیاد و کم به ترتیب برابر 728/2 و 057/0 و سطح معنی‌داری آن‌ها به ترتیب 069/0 و 945/0 است. این نتیجه بیانگر نداشتن اختلاف معنی‌دار بین پیش‌بینی تحلیل‌گران با سوابق کاری مختلف است.

**6. بحث و نتیجه‌گیری**

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر طبقه‌بندی اجزای سود برحسب پایداری و ذهنی‌گرایی و نیز تأثیر شکل ارائة صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی است. در این راستا چهار فرضیه مطرح شد. نتایج آزمون فرضیة اول پژوهش نشان‌دهندة اثر معنی‌دار ذهنی‌گرایی بر پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری زیاد است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که برای اقلام سود با پایداری زیاد در مواقعی که ذهنی‌گرایی بالا است، مقدار کمتری پیش‌بینی می‌شود؛ لذا فرضیة اول پژوهش تأیید می‌شود. این نتایج مطابق با انتظارات تئوریک است. بر اساس مبانی نظری انتظار می‌رود هنگامی‌که ذهنی‌گرایی بالا باشد تحلیل‌گران رقم کمتری را پیش‌بینی کنند؛ زیرا بر این عقیده‌اند که اقلام دارای ذهنی‌گرایی بالا احتمالاً دارای اشتباهات عمدی یا سهوی هستند؛ ازاین‌رو اگرچه مدیر یک‌قلم سود را به‌عنوان رقمی با پایداری زیاد تلقی کرده است، لیکن نمی‌توان به آن اتکا کرد و ممکن است پایداری این قلم سود کمتر از آنچه مدیر گزارش کرده است، باشد؛ پس انتظار می‌رود در شرایط ذهنی‌گرایی بالا، علی‌رغم طبقه‌بندی سود به‌عنوان رقمی پایدار، تحلیل‌گران این رقم سود را کمتر پیش‌بینی کنند. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون این فرضیه سازگار با نتایج هویت و همکاران (2015) است. اگرچه نتایج آزمون فرضیة دوم حاکی از تأثیر معنی‌دار ذهنی‌گرایی بر پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری کم است، لیکن نتایج مقایسة میانگین پیش‌بینی سود نشان می‌دهد که تحلیل‌گران برخلاف انتظارات تئوریک مبلغ کمتری را برای اقلام سود با پایداری کمتر پیش‌بینی می‌کنند؛ لذا فرضیة دوم پژوهش رد می‌شود. این نتیجه به این دلیل حاصل شده است که پایداری کم، خود بیانگر نامحتمل بودنِ تکرار این قلم سود در آینده است؛ بنابراین برای این‌گونه اقلام، تحلیل‌گران مبلغ کمتری را پیش‌بینی می‌کنند. این نتایج برخلاف نتایج هویت و همکاران (2015) است. نتایج آزمون فرضیة سوم و چهارم بیانگر این است که شکل صورت سود یا زیان، بر پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری زیاد و نیز پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری کم تأثیری ندارد؛ ازاین‌رو فرضیة سوم و چهارم رد می‌شود. این نتیجه را می‌توان چنین تفسیر کرد که تحلیل‌گران هنگام تحلیل صورت‌های مالی به‌دقت به بررسی جزئیات این صورت‌ها می‌پردازند و شکل ارائة صورت سود یا زیان نمی‌تواند نظرات آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد؛ به‌عبارت‌دیگر شکل متوالی یا ماترسی تأثیر فراوانی بر درک تحلیل‌گران مالی نداشته است. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون این فرضیه سازگار با نتایج هویت و همکاران (2015) است. نتایج بررسی ویژگی‌های دموگرافیک نیز نشان می‌دهد که سن، جنسیت، سابقة کاری و سطح تحصیلات تحلیل‌گران، بر پیش‌بینی آن‌ها از سود تأثیری ندارد

**7. پیشنهادهای پژوهش**

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

با توجه به تأثیرگذاری طبقه‌بندی اقلام سود بر اساس ذهنی‌گرایی و پایداری به تدوین‌کنندگان استاندارد و تدوین‌کنندگان مقررات بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که به‌منظور تغییر شیوة طبقه‌بندی صورت سود یا زیان و الزام شرکت‌ها به افشای اجزای صورت سود یا زیان بر اساس این دو معیار طبقه‌بندی، استانداردهایی ارائه دهند.

برای پژوهش‌های آینده موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

بررسی مقایسه‌ای تأثیر شکل صورت سود یا زیان بدون تفکیک اجزای سود بر اساس پایداری بر پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی؛

بررسی نقش تخصص حسابرس بر درک وی از طبقه‌بندی اقلام سود.

**یادداشت­ها**

1. Hewitt et al. 2. Schkade and Kleinmuntz

3. Penman 4. Fairfield et al.

5. Bradshaw and Sloan 6. Sloan

7. Subjective Criteria 8. Xie

9. Elgers et al. 10. Song et al.

11. Clor-Proell et al. 12. Fields et al.

13. Peterson 14. Elliott and Hanna

15. Sequential Format 16. Matrix Format

17. Fan et al. 18. Pan

19. Chae and Nakano 20. Wu

21. Kutner et al 22. Hewitt

23. Brown et al.

**منابع**

**الف. فارسی**

[افلاطونی](http://jaa.shirazu.ac.ir/?_action=article&au=47531&_au=%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%B3++%D8%A7%D9%81%D9%84%D8%A7%D8%B7%D9%88%D9%86%DB%8C)، عباس (1395). بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی و متقارن نبودن اطلاعات بر واکنش تأخیری قیمت سهام، *پیشرفت‌های حسابداری*، 8(1)، 1-24.

رضازاده، جواد و گروسی، حبیب‌الله (1390). پایداری تفاضلی اجزای تعهدی و نقدی سود و پیش‌بینی سودآوری، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، 18(63)،ذ81-94.

شاهوردیانی، شادی و رادفر، مهتاب (1392). عوامل مؤثر بر اعتماد تحلیل‌گران مالی به مدیران، *دانش سرمایه‌گذاری*، 2(7)، 35-54.

شجاعی، محمدرضا و آقابیک‌زاده نائینی، مهدی (1395). بررسی تأثیر اجزای پایدار و ناپایدار سود بر رابطة بین نوسان سود و قابلیت پیش‌بینی سود، *کنفرانس جهانی مدیریت، اقتصاد حسابداری و علوم انسانی در آغاز هزارة سوم،* شیراز، پژوهش شرکت ایده بازار صنعت سبز.

[فروغی](http://jaa.shirazu.ac.ir/?_action=article&au=32366&_au=%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D9%88%D8%B4++%D9%81%D8%B1%D9%88%D8%BA%DB%8C)، داریوش؛ [امیری](http://jaa.shirazu.ac.ir/?_action=article&au=89404&_au=%D9%87%D8%A7%D8%AF%DB%8C++%D8%A7%D9%85%DB%8C%D8%B1%DB%8C)، هادی و [ابراهیمیان](http://jaa.shirazu.ac.ir/?_action=article&au=81099&_au=%D8%A2%D8%B2%DB%8C%D8%AA%D8%A7++%D8%A7%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%87%DB%8C%D9%85%DB%8C%D8%A7%D9%86)، آزیتا (1396). پایداری سود و اجزای تشکیل‌دهندة آن در سطح صنعت و شرکت، *پیشرفت‌های حسابداری*، 9(2)، 63-92.

مرادزاده، مهدی؛ علیپور درویش، زهرا و نظری، هماد (1392). بررسی خطای پیش‌بینی سود مدیریت و محتوای اطلاعاتی اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شدة بورس اوراق بهادار تهران، *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، 2(7)، 15-28.

ملکیان، اسفندیار؛ احمدپور، احمد؛ رحمانی نصرآبادی، محمد و دریایی، عباسعلی (1389). عوامل مؤثر بر دقت سود پیش‌بینی‌شده توسط شرکت‌ها، شواهدی از: بازار بورس و اوراق بهادار تهران، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، 17(61)، 21-36.

هاشمی، سید عباس و ربیعی، حامد(1392). تحلیل مدیریت سود با استفاده از تغییر طبقه‌بندی هزینه‌های عملیاتی به هزینه‌های غیرعملیاتی در میان‌دوره‌های مالی، [*تحقیقات حسابداری و حسابرسی*](http://iranianaa.com/%D9%86%D8%B4%D8%B1%DB%8C%D9%87/%D8%AA%D8%AD%D9%82%DB%8C%D9%82%D8%A7%D8%AA-%D8%AD%D8%B3%D8%A7%D8%A8%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D9%88-%D8%AD%D8%B3%D8%A7%D8%A8%D8%B1%D8%B3%DB%8C)،5(18)، 4-17.

**ب. انگلیسی**

Bradshaw, M. T., & Sloan, R. G. (2002). GAAP versus the street: An empirical assessment of two alternative definitions of earnings. *Journal of Accounting Research*, *40* (1), 41–66.

Brown, L. D., Call, A. C., Clement, M. B. & Sharp, N. Y. (2014). *Inside the Black Box of Sell-side Analysts*. Working paper, Temple University.

Chae, S. & Nakano, M. (2015). [The effect of classification shifting on analyst forecast accuracy](https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=1&cad=rja&uact=8&ved=0ahUKEwj42PDZv8zWAhXOaFAKHfDXBakQFggmMAA&url=https%3A%2F%2Fwww.jstor.org%2Fstable%2F43697707&usg=AOvVaw3jJTz9FTfUg7KaB84wM_iG): Evidence from Japan. *Hitotsubashi Journal of Commerce and Management*, *49*, 25-35.

Clor-Proell, S. M., Proell, C. A. & Warfield, T. D. (2014). The effects of presentation salience and measurement subjectivity on nonprofessional investors’ fair value judgments, *Contemporary Accounting Research*, *31* (1), pp 45–66.

Elgers, P. T., Lo, M. H. & Pfeiffer, R. J. (2003). Analysts’ vs. investors’ weighting of accruals in forecasting annual earnings, *Journal of Accounting and Public Policy*, *22* (3), 255–280.

Elliott, J. A. & Hanna, J. D. (1996). Repeated accounting write-offs and the information content of earnings, *Journal of Accounting Research*, *34*, 135–55.

Fairfield, P. M., Sweeney, R. J. & Yohn, T. L. (1996). Accounting classification and the predictive content of earnings. *The Accounting Review*, *71* (3), 337–355.

Fan, Y., Barua, A., Cready, W., & Thomas, W. (2010). Managing earnings using classification shifting: Evidence from quarterly special items. *The Accounting Review*, *85* (4), 1303–1323.

Fields, T. D., Lys, T. Z. & Vincent, L. (2001). Empirical research on accounting choice. *Journal of Accounting and Economics*, 31(1–3), 255–301.

Hewitt, M. (2009). Improving investors’ forecast accuracy when operating cash flows and accruals are differentially persistent. *The Accounting Review*, *84* (6), 1913–1931.

Hewitt, M., Tarca, A. &Yohn, T. L. (2015). The effect of measurement subjectivity classifications on analysts’ use of persistence classifications when forecasting earnings items. *Contemporary Accounting Research*, *32* (3), 1000–1023.

Pan, S. (2014), Income Classification Shifting and Financial Analysts’ Forcastes. PhD Dissertation. Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College.

Penman, S. H. (2013). *Financial Statement Analysis & Security Valuation*. 5th edition. Boston: McGraw-Hill Irwin.

Peterson, K. (2012). Accounting complexity, misreporting, and the consequences of misreporting. *Review of Accounting Studies*, *17* (1), 72–95.

Schkade, D. A., & Kleinmuntz, D. N. (1994). Information displays and choice processes: Differential effects of organization, form, and sequence. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, *57* (3), 319–337.

Sloan, R. (1996). Do stock prices fully reflect information in accruals and cash flows about future earnings? *The Accounting Review*, 289–315.

Song, C. J., Thomas, W. B. & Yi, H. (2010). Value relevance of FAS 157 fair value hierarchy information and the impact of corporate governance mechanisms. *The Accounting Review*, *85*(4), 1375–1410.

Wu, E. (2016). Classification Shifting as an Earnings Management Tool among European Firms, Master’s thesis, Faculty School of Economics, Erasmus University of Rotterdam, Rotterdam.

Xie, H. (2001). The mispricing of abnormal accruals. *The Accounting Review*, *76* (3), 357–373.

1. \* دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری n.ghayoumi08@yahoo.com [↑](#footnote-ref-1)
2. \*\* استادیار گروه حسابداری (نویسندة مسئول) a\_soroushyar@yahoo.com [↑](#footnote-ref-2)
3. \*\*\* استادیار گروه حسابداری saeidaliahmadi@yahoo.com

تاریخ دریافت: 18/12/1396 تاریخ پذیرش: 20/2/1397 [↑](#footnote-ref-3)